فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۸۹
سال بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۸، صفحه ۲۹۸-۲۶۹

بررسی تأثیر نوع مالکیت بر عملکرد سیستم بانکی؛ مطالعه موردی بانک‌های ایران

علی نصیری‌اقدم
استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)
Alin110@atu.ac.ir
پریسا مهاجری
استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)
Parisa_m2369@yahoo.com
الهه افروزکلاردهی
کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول)
elahehafruzkeladehi@yahoo.com

پژوهش حاضر به بررسی اثر نوع مالکیت بانک‌ها بر عملکرد آنها در ایران پرداخته است. عملکرد بانک‌ها با سه شاخص بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی، نسبت هزینه به درآمد عملیاتی اندازه‌گیری شده است. دارایی‌های بانک‌ها، نسبت تسهیلات به سپرده، نسبت نقدینگی، نسبت اهرمی، نسبت حاشیه سود عملیاتی و نسبت کل سپرده به کل بدهی به عنوان متغیرهای کنترل وارد مدل شده‌اند. سه متغیر دامی برای بررسی اثر مالکیت، اثر خصوصی‌سازی و اثر فهرست شدن در بورس اوراق بهادار نیز در مدل تعریف شده است. دوره زمانی مطالعه ۱۳۹۴-۱۳۸۳ است. این تحقیق برای ۱۷ بانک به ترتیب ۷ بانک خصوصی، ۶ بانک دولتی و ۴ بانک دولتیِ خصوصی شده انجام گرفته است. به طورکلی نتایج مدل میانگین **جمعیت** معادلات برآوری تعمیم یافته در نرم‌افزار stata14.2 حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی از شاخص‌های عملکرد بهتری در مقایسه با بانک‌های دولتی برخوردار هستند. اما خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی آنطور که انتظار می‌رفته منجر به بهبود و افزایش کارایی بانک‌ها نشده است.

طبقه‌بندی JEL: G21 ،G28
واژگان کلیدی: بانک دولتی، بانک خصوصی، خصوصی‌سازی، ساختار مالکیت، مدل میانگین جمعیت معادلات برآوردی تعمیم یافته

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

۱. مقدمه

بانک‌ها قلب سیستم مالی هستند و نقش مهمی در فرآیند تجهیز پس‌اندازها، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و متنوع‌سازی ریسک ایفا می‌کنند. بانک‌ها اصلی‌ترین تأمین‌کننده منابع مورد نیاز بخش‌های اقتصادی محسوب می‌شوند و طبیعی است که رشد هر یک از فعالیت‌های اقتصادی از پویایی‌های سیستم بانکی تأثیر می‌پذیرد (هانگ سون[1]، ۲۰۱۵).

در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی و در پی اتخاذ سیاست‌هایی در راستای کاهش مداخله دولت و اهتمام به فراهم‌سازی بسترهای لازم برای فعالیت هرچه بیشتر بخش خصوصی و ایجاد رقابت در اقتصاد، راهبرد خصوصی‌سازی به عنوان یکی از سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت (کمیجانی، ۱۳۸۲). به طوری‌که از دیدگاه طرفداران خصوصی‌سازی، این اقدام جزء منطقی تغییر مسیر استراتژی توسعه و تکیه بیشتر بر مکانیزم بازار و افزایش بهره‌وری و کاهش اندازه بخش دولتی است. بخش بانکی نیز از این تحولات بی‌نصیب نبوده و موج گسترده‌ای از خصوصی‌سازی در این حوزه نیز طی دهه‌های اخیر مشاهده می‌شود.

تحولات مشابهی نیز در حوزه بانکی در ایران رخ داد به طوری‌که در سال ۱۳۷۹ و در راستای دستیابی به اهدافی نظیر بهینه‌سازی نظام مدیریت منابع و مصارف، کاهش مطالبات سررسید گذشته و معوق و به طور کلی افزایش کارایی بانک‌ها، مجوز تأسیس بانک‌های خصوصی صادر شد. همچنین در پی اجرایی نمودن موضوع ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و الزام دولت به واگذاری شرکت‌ها و مؤسسات مالی، بانک‌های صادرات، ملت، تجارت و رفاه از سال ۱۳۸۷ به بعد خصوصی شدند. در این میان، پرسش‌های متعددی به ذهن متبادر می‌شود که هدف این مقاله، پاسخگویی به آن‌هاست: اول، آیا خصوصی‌سازی بانک‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص‌های عملکرد آنها (نظیر بازده حقوق

1. Hong Son

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، نسبت هزینه به درآمدهای عملیاتی) داشته است؟ دوم، آیا نوع مالکیت بانک‌ها (دولتی یا خصوصی) بر شاخص‌های عملکرد اثرگذار است؟ سوم، آیا عرضه سهام بانک‌های دولتیِ خصوصی شده در بورس اوراق بهادار اثر مثبت و معنی‌داری بر عملکرد آن‌ها داشته است؟

در راستای پاسخ به پرسش‌های مذکور، مقاله حاضر در پنج بخش سازماندهی شده است. چارچوب نظری تأثیر نوع مالکیت بانکی بر عملکرد بانک‌ها، محور بخش نخست مقاله است. در بخش دوم، مروری مختصر بر مطالعات پیشین صورت خواهد گرفت. بخش سوم مقاله، به تشریح پایه‌های آماری و معرفی متغیرهای مورد استفاده، اختصاص یافته است. نتایج برآورد مدل و بحث درباره نتایج تخمین در بخش چهارم ارائه خواهد شد و در بخش پایانی نیز مشاهدات و یافته‌های مقاله جمع‌بندی می‌شود.

۲. چارچوب نظری؛ آیا نوع مالکیت بانک‌ها بر عملکرد آنها اثرگذار است؟

ساختار مالکیت به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده عملکرد بنگاه‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است. یکی از ابعاد مهم ساختار مالکیت، ساختار مالکیت خصوصی در مقابل ساختار مالکیت دولتی یا عمومی است. براساس نظر شلایفر[1] (۱۹۹۸)، مالکیت خصوصی عموماً بر مالکیت دولتی مرجح است به ویژه هنگامی که انگیزه‌های نوآوری و کاهش هزینه‌ها در بنگاه‌های اقتصادی قوی باشد و رقابت بین عرضه‌کنندگان، مکانیسم‌های شهرت و خوشنامی[2]، امکان‌پذیری ارائه خدمات توسط بنگاه‌های خصوصی، فساد و قیمومیت سیاسی[3]، وارد جریان بازی شوند. البته در برخی موقعیت‌ها نیز ممکن است مالکیت خصوصی بهینه نباشد. طبق مطالعه شلایفر و ویشنی[4] (۱۹۹۷)،

1. Shleifer
2. Reputational Mechanisms
3. Political Patronage and Corruption
4. Shleifer and Vishny

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

قدرت انحصاری[1]، آثار خارجی[2] و مباحث توزیعی[3] عموماً نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند مبنی بر این‌که ممکن است مالکیت خصوصی، بالاترین منافع را در پی نداشته باشد.

به طور کلی دو نظریه در خصوص تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد وجود دارد که عبارتند از نظریه «حکمرانی شرکتی»[4] که توسط شلایفر و ویشنی (۱۹۹۷) به تفصیل مطرح شده است و نظریه «بازارهای رقابت‌پذیر و هزینه نمایندگی یا کارگزاری»[5] که توسط کانی[6] (۲۰۰۰) ارائه گردید. براساس نظریه نخست، بنگاه‌های با مالکیت دولتی به طور فنی توسط دولت کنترل شده و به وسیله بروکرات‌های سیاسی اداره می‌شوند که می‌توان تصور نمود که این بروکرات‌ها از «حقوق کنترل کاملاً متمرکز»[7] برخوردارند، اما «حقوق گردش نقدینگی»[8] قابل‌توجهی ندارند. بروکرات‌های سیاسی، اهدافی دارند که غالباً توسط منافع سیاسی آنها تأمین می‌شود، اما منافع ایشان با بهبود در رفاه اجتماعی و حداکثرسازی ارزش بنگاه در تضاد هستند. دلالت اصلی این نظریه آن است که بانک‌های دولتی به دلیل انگیزه‌های خاص بروکرات‌ها و مدیران بانک‌ها، عملکرد ضعیف‌تری در مقایسه با بانک‌های خصوصی دارند.

کانی (۲۰۰۰) با استفاده از نظریه «بازارهای رقابت‌پذیر و هزینه کارگزاری»، مدل عمومی از «چرخه زندگی بحران بانکی ناشی از مقررات»[9] ارائه نموده و بینش بهتری را از تفاوت‌های الگوی عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی در طول زمان فراهم می‌کند. وی در مطالعه خود به این

1. Monopoly Power
2. Externalities
3. Distributional Issues
4. Corporate Governance Theory
5. Agency-Cost and Contestable-Markets Theory
6. Kane
7. Extremely Concentrated Control Rights
8 .Significant Cash Flow Rights

در واقع این مطلب اشاره دارد که شرکت‌های دولتی عملاً مانند شرکت‌هایی عمل می‌کنند که سهام‌شان متمرکز توزیع شده است و بوروکرات‌ها در شرکت‌های دولتی عملاً مشابه سهامداران بزرگ در شرکت‌های خصوصی عمل می‌کنند با این تفاوت که حق استفاده از جریان نقد شرکت را ندارند.

9. General Model of Life Cycle of a Regulation-Induced Banking Crisis

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

بحث می‌پردازد که سیاستمداران امیدوار بـه انحـراف رانـت‌هـایی هسـتند کـه در گذشـته از طریـق هدایت وام‌های ارزان به بخش‌ها و احزاب قدرتمند سیاسی به دست آورده‌اند. میزان ایجاد این نوع از وام‌های یارانه‌ای برای بانک‌های دولتی بزرگ‌تر از بانک‌های با مالکیت خصوصی است و همین موضوع سبب می‌شود تـا اولاً زیـان‌هـایی بـرای بانـک‌هـای دولتـی بـه وجـود آیـد کـه بـرای آنهـا ذخیره‌گیری نشده است[1] و ثانیاً چارچوب گزارش‌دهی و قراردادی بـرای اداره‌هـای دولتـی نیـز بـه گونه‌ای است که منجر به شکست پاسخگویی مستقیم آنها برای کنتـرل انـدازه یارانـه‌هـا مـی‌شـود. هنگامی‌که مقیاس زیان‌های انباشته افزایش یابد، اگر تردیدی دربـاره خواسـته‌هـا و توانـایی دولـت برای تضمین نمودن بدهی‌های رو به رشد و حمایت از سیستم بانکی ورشکسته وجـود داشـته باشـد بحران بانکی بـروز خواهـد کـرد. در طـول بحـران بـانکی، سـرعت بـدتر شـدن وضـعیت عملکـرد بانک‌های دولتی بالاتر خواهد بود زیـرا آنهـا زیـان‌هـای گسـترده‌تـری را قبـل از بحـران داشـته‌انـد (کورنت و همکاران[2]، ۲۰۰۹).

۳. مروری بر مطالعات پیشین و دستاوردهای اصلی آنها

مطالعات تجربی گسترده‌ای درباره اثر نوع مالکیت بانک‌ها و عملکرد آنها وجود دارد که می‌تـوان آنها را به سه گروه عمده تقسیم‌بندی نمود:

- *گروه اول: مطالعاتی که بر مالکیت بانک‌ها و تأثیر آن بر مشخصه‌هایی در سطح بانکی نظیر اندازه، ساختار ترازنامه و... تمرکز دارند.* هدف اصلی این دسته از مطالعـات، بررسـی ایـن موضـوع اسـت که آیا مالکیت بانک‌ها بر عملکرد آنها که با متغیرهـایی نظیـر سـود، حاشـیه عملیـاتی، هزینـه‌هـا و کیفیت سبد وام‌ها اندازه‌گیری مـی‌شـود، تـأثیر دارد یـا خیـر؟ بـرای نمونـه دمیرگـوک-کونـت و هویزینگا[3] (۲۰۰۰) بر مالکیت خارجی تمرکز کردند و دریافتند کـه بانـک‌هـای خـارجی، حاشـیه بهره‌ای و سود بالاتری را خصوصاً در کشورهای در حال توسعه ایجـاد مـی‌کننـد. مـایکو، پـانیزا و

1. Unbooked Losses
2. Cornett et al.
3. Demirgüç-Kunt and Huizinga

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

یانز[1] (۲۰۰۴)، تحلیل جامعی را از مالکیت سیستم بانکی و عملکرد بانک‌ها ارائه نمودند و نتیجه‌گیری کردند که بانک‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه، سودهای کمتر، هزینه‌های بالاتر و وام‌های معوق بیشتری در مقایسه با بانک‌های خصوصی دارند. از سوی دیگر، بانک‌های خارجی، سودآوری بالاتر و هزینه‌های کمتری دارند. در هر دوی این مطالعات و پژوهش بعدی که توسط لوی-یایاتی، مایکو و پانیزا[2] (۲۰۰۷) انجام شد، نویسندگان بر این نکته تأکید کرده‌اند که عملکرد مالی ضعیف بانک‌های دولتی می‌تواند به دلیل مداخله گسترده سیاسی[3] (مثلاً در اعطای وام و یا تصمیمات استخدام)، ناکارایی‌های عملیاتی[4] و همچنین وظایف و تکالیف توسعه‌ای‌شان[5] باشد. همچنین آن‌ها نشان داده‌اند که همبستگی قوی بین مالکیت و عملکرد مالی در کشورهای صنعتی وجود ندارد و بانک‌های دولتی در این کشورها قادر هستند که با وظایف و تکالیف شفاف و ساختار حکمرانی صحیح‌تر و مناسب‌تری به فعالیت بپردازند. البته مطالعات متعدد دیگری نیز در سطح کشوری و یا بین‌کشوری انجام شده است که یافته‌های آنها در جدول(۱) گزارش شده است. همچنین در مطالعه دیگری که برای این منظور در کشور ویتنام برای ۴۴ بانک انجام گرفت،نشان دادند که مالکیت خصوصی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سودآوری بانک‌ها دارد و نسبت تسهیلات معوق رابطه منفی با سودآوری بانک‌ها دارد (هنگ سون و همکاران[6]، ۲۰۱۵).

- *گروه دوم: مطالعاتی که بر تأثیر نوع مالکیت (دولتی یا خصوصی) بر توسعه مالی و رشد اقتصادی تأکید دارند.* لاپورتا، لوپز-دی-سیلانس و شلایفر[7] (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که هر چه سهام دولت در بانک‌های بیشتر باشد توسعه مالی و رشد اقتصادی آهسته‌تر است. بارث، کاپریو و لوین[8] (۲۰۰۶) نیز

1. Micco,Panizza and Yañez
2. Levy-Yeyati, Micco and Panizza
3. Extensive Political Interference
4. Operational Inefficiencies
5. Development Mandates
6. Hong Son et all
7. La Porta, Lopez-de-Silanes and Shleifer
8. Barth, Caprio and Levine

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

به نتیجه مشابهی دست یافتند. در مقابل، لوی-یاياتی، مایکو و پانیزا (۲۰۰۷) با استفاده از داده‌های جدیدتر، تکنیک‌های تخمین بهتر و متغیرهای کنترلی بیشتر؛ مطالعه لاپورتا و همکاران (۲۰۰۲) را مورد بازنگری قرار داده و نشان داده‌اند که شواهد این ادعا که عملکرد بانک دولتی موجب رشد اقتصادی و توسعه مالی کمتر می‌شود، قوی نیستند. کرونر و اسکنابل[1] (۲۰۱۰) و آندریانوآ، دمیتریادس و شورتلند[2] (۲۰۱۰) نیز به نتایج مشابهی دست یافتند. بررسی آن‌ها حاکی از آن بود که اگر توسعه مالی و کیفیت نهادهای سیاسی اندک باشند، ارتباط منفی بین بالا بودن مالکیت دولتی در سیستم بانکی و رشد اقتصادی وجود خواهد داشت که این شرایط دقیقاً بر کشورهای در حال توسعه حاکم است. همراستا با مطالعه لوی-یاياتی و همکاران (۲۰۰۷)، آن‌ها نیز تأثیر منفی مالکیت دولتی و رشد اقتصادی را در کشورهای توسعه‌یافته تأیید نکردند، اما تأثیر مالکیت دولتی بر رشد، کیفیت نهادها و حکمرانی را بسیار مهم قلمداد کردند.

1. Korner and Schnabel
2. Andrianova, Demetriades and Shortland

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

جدول ۱. مروری بر مطالعات پیشین (داخلی و خارجی)
در حوزه تأثیر نوع مالکیت بانکی بر شاخص‌های عملکرد بانکی

اسامی محققین	توضیحات و مهم‌ترین یافته‌های مطالعه
بونین و همکاران[1] (۲۰۰۲)	آنان به بررسی تأثیر ساختار مالکیت (دولتی، خصوصی و خارجی) بر عملکرد بانک در ۶ کشور بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، مجارستان، لهستان و رومانی پرداختند. نمونه آنها شامل ۲۲۲ مشاهده مشتمل بر داده‌های مالی و مالکیتی بانک‌ها در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ بود. طبق نمونه مورد استفاده توسط این پژوهشگران، حدود سه چهارم بانک‌ها کاملاً خصوصی و حدود ۴۰ درصد آنها کاملاً در دست سرمایه‌گذاران خارجی قرار داشت. این در حالی است که در کمتر از ۱۵درصد موارد، اکثریت سهام بانک‌ها به دولت تعلق داشت. نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که سودآوری (با معیار بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام) بانک‌های کاملاً خصوصی بیش از بانک‌هایی است که بخشی از آنها دولتی است و سودآوری بانک‌هایی که کاملاً خارجی هستند از همه بالاتر است. بانک‌های خارجی همچنین بیشترین میزان وام‌دهی به مشتریان را تجربه کردند.
برگر و همکاران[2] (۲۰۰۹)	در این مقاله، نویسندگان اثرات تغییرات مالکیتی بر عملکرد بانک‌ها را برای کشور چین مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که عملکرد بانک‌های خصوصی و خارجی به طور معنی‌داری بالاتر از بانک‌های دولتی است همچنین نتایج مطالعه آنان نشان می‌دهد که ریسک‌پذیری و رویکرد حاکمیت شرکتی و اصلاحات بانکی، نقش مهمی در عملکرد بانکی داشته و اختلاف اساسی را در سیستم‌های بانکی در کشورهای مختلف به همراه داشته است.

1. Bonin et al.
2. Berger, Hasan & Zhou

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

اسامی محققین	توضیحات و مهم‌ترین یافته‌های مطالعه
لین و ژانگ[1] (۲۰۰۹)	در این مطالعه، اصلاحات مالکیت بانکی و عملکرد بانک‌ها در چین بررسی شده است. محققین در مطالعه خود داده‌های ۶۰ بانک را برای سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۰۴ جمع‌آوری کردند. قبل از سال ۱۹۷۸ همه بانک‌های چین زیرمجموعه‌ای از دولت بودند اما بعد از سال ۱۹۷۸ اصلاحات بانکی در چین آغاز گردید که اقدام اساسی آن بر اصلاح ساختار و عملیات سیستم بانکی چین تمرکز داشت. در مقاله مذکور شاخص‌هایی برای اثر بورس، تغییر مالکیت و اثر خصوصی‌سازی تحت عنوان متغیرهای مستقل و متغیرهای دارایی، نسبت درآمدهای غیربهره‌ای به کل درآمدها، نسبت وام‌های بین بانکی به کل دارایی‌ها نیز به عنوان متغیرهای کنترلی تعریف شده است. آن‌ها با به‌کارگیری متغیرهای یادشده، چهار متغیر که عملکرد بانک‌ها را نشان می‌دهد یعنی بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، نسبت هزینه به درآمدهای عملیاتی و نسبت وام‌های غیرعملیاتی به کل وام‌ها را برای چهار بانک بزرگ دولتی، بانک سیاسی، بانک‌های داخلی با سهام مشترک (بدون تغییر مالکیت)، بانک‌های تجاری شهری (بدون تغییر مالکیت)، بانک‌های تجاری شهری که به مالکیت خارجی درآمده‌اند و بانک‌های خارجی چین و بانک‌هایی که به طور کامل با منابع خارجی تأمین مالی می‌شوند، در یک نمونه‌ی ۳۲۲ تایی از مشاهدات مورد بررسی قرار دادند، نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که؛ اولاً شاخص مالکیت در چهار بانک بزرگ دولتی به مراتب عملکرد ضعیف‌تری نسبت به بانک‌های تجاری شهری که سهام مشترک با خارج دارند، بانک‌های که به تازگی به مالکیت خارجی‌ها درآمده‌اند و بانک‌هایی با سرمایه خارجی دارند. ثانیاً شاخص بورس نشان می‌دهد که بانک‌های که حداقل بخشی از آن به مالکیت شرکت‌های خارجی درآمده‌اند عملکرد بهتری نسبت به قبل از تغییر مالکیت دارند. ثالثاً شاخص خصوصی‌سازی نیز نشان می‌دهد که بانک‌های تحت مالکیت خارجی یا عمومی، بعد از تغییر مالکیت بهبود عملکرد را تجربه نکرده‌اند که البته این نتیجه با دستاوردهای قبلی همخوانی ندارد.

1. Lin & Zhang

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

اسامی محققین	توضیحات و مهم‌ترین یافته‌های مطالعه
اودین و سوزکی[1] (۲۰۱۱)	این دو محقق، تأثیر مالکیت را بر عملکرد بانک‌های بنگلادش مورد آزمون قرار دادند. کشور بنگلادش در دهه‌ی ۱۹۸۰ وارد اصلاحات مالی شد و عمده این اصلاحات در آغاز عمدتاً بر بخش بانکی متمرکز بود، به طوری که بسیاری از تغییرات مربوط به مالکیت، تمرکز بازار و اقدامات نظارتی و سیاست‌هایی بوده که به ارتقاء عملکرد بانک‌ها منجر شده است. نتایج آن‌ها نشان داد که کارایی درآمد به میزان ۳۷/۸۴ درصد و کارایی هزینه به میزان ۱۵/۲۸ درصد در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است. به طور مشابه عملکرد وام‌های غیرعملکردی و بازگشت سرمایه و بازده دارایی نیز نسبت به سال ۲۰۰۱ بهبود یافته است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که مالکیت خارجی، تأثیر مثبت معنی‌دار و قابل توجهی بر عملکرد بانک داشته است. از سوی دیگر مالکیت خصوصی اثرات مطلوب بر بهره‌وری درآمد، بازده دارایی و وام‌های غیرعملکرد داشته است درحالی که تأثیر منفی بر بهره‌وری هزینه دارد. همچنین رشد زیادی در تولید ناخالص ملی به واسطه اصلاحات ایجاد شد، به طوری که در سال ۲۰۰۸ تولید ناخالص ملی حدود ۷۴ درصد رسید. در نتیجه می‌توان گفت بانک‌ها نقش سازنده‌ای در فرایند توسعه اقتصادی کشور بنگلادش داشته‌اند.

1. Uddin & Suzuki

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

اسامی محققین	توضیحات و مهم‌ترین یافته‌های مطالعه
بایرت[1] (۲۰۱۳)	بایرت با استفاده از یک مدل پنل دیتا، اثر مالکیت را روی عملکرد بانک‌های ترکیه مورد بررسی قرار داد. استدلال وی این بود که امروزه به دلیل تثبیت بانک‌ها در عرصه بین‌المللی و فعالیت‌های برون مرزی در سیستم بانکی تأثیر مالکیت خارجی بر عملکرد بانک توجه ویژه‌ای را به خود جلب نموده است، به طوری که در سال‌های أخیر مالکیت خارجی بانک‌ها در کشورهای در حال توسعه به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. بنابراین، این مطلب که آیا مالکیت خارجی منجر به بهبود عملکرد بانک می‌شود یا خیر در کشورهای در حال توسعه به عنوان یک سوال مهم مبنا قرار گرفته است. لذا در پژوهشی با هدف مقایسه عملکرد بانک‌های خارجی و ترکیه‌ای این مسأله را مورد بررسی قرار داد. هدف این مطالعه، بررسی تفاوتی است که بین عملکرد داخلی و خارجی بانک‌ها در ترکیه وجود دارد. ترکیه یک کشور در حال توسعه است که بازارهای مالی آن به طور کامل آزادند و بانک‌های خارجی می‌توانند آزادانه کارکنند. در پایان سال ۲۰۱۰، تعداد بانک‌های سپرده‌پذیر در ترکیه به ۳۲ عدد رسید. در سال ۲۰۱۰، ۱۴ بانک سپرده‌پذیر داخلی و ۱۷ بانک سپرده‌پذیر خارجی در آن وجود داشت. بانک‌های سپرده‌پذیر بالاترین سهم از کل دارایی و اعطای وام در بخش بانکداری ترکیه را به خود اختصاص دادند. ۹۷٪ از دارایی و ۹۶٪ درصد از وام در سال ۲۰۱۰ متعلق به بانک‌های سپرده‌پذیر بود. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌داد که بانک‌های داخلی به طور متوسط بهره‌وری پایین‌تری از بانک‌های خارجی داشتند.
لسود[2] (۲۰۱۶)	در این مطالعه با استفاده از نمونه‌ای مشتمل بر ۱۷۱ بانک‌تجاری از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در طول دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۶، تأثیر مالکیت خارجی و دولتی بر ریسک بانکی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش منعکس‌کننده آن است که دولتی بودن مالکیت بانک‌ها، آنها را به ریسک‌پذیری بیشتری سوق می‌دهد. در حالی که مالکیت خارجی ریسک‌پذیری را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، در بانک‌های دولتی تمایل به افزایش سرمایه به منظور مقاوم بودن در مقابل ریسک‌های احتمالی بیشتر است. یافته‌های این پژوهشگر نشان حاکی از آن بود که پس از بحران ۲۰۰۸ همه مجموعه‌های سهامداران رویکرد محتاطانه‌ای نسبت به کاهش ریسک را در دستور کار سیاستگذاری‌های خود قرار داده‌اند.

1. Bayyurt
2. Lassoued

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

اسامی محققین	توضیحات و مهم‌ترین یافته‌های مطالعه
آذرین عبدالرحمان و فریدا مد رجا[2] (۲۰۱۵)[1]	آن‌ها در مطالعه خود با استفاده از یک رگرسیون چندگانه انواع مختلف ساختار مالکیت از جمله مالکیت داخلی، خانوادگی، دولتی، سازمانی و خارجی را بر عملکرد بانک‌های مالزیایی مورد بررسی قرار دادند، نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که ساختارهای متفاوت مالکیت بانک‌ها، عملکردهای متفاوت بانکی را به همراه دارد. به طوری که مالکیت داخلی و مالکیت دولتی تأثیر معنی‌داری بر عملکرد بانک‌ها دارد، اما از آنجا که مالکیت نهادی تنها به بازده حقوق صاحبان سهام معنی‌دار و برای بازده دارایی‌ها معنی‌دار نمی‌باشد، نمی‌توان اثرات مالکیت نهادی را بر عملکرد بانک‌ها نتیجه‌گیری نمود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که مالکیت خانوادگی و مالکیت خارجی تأثیر قابل توجهی بر عملکرد بانک‌ها ندارد.
اباذر (۱۳۸۶)	وی در مطالعه‌ای، عملکرد ۶۵ بانک فعال در ۲۵ کشور را مورد بررسی قرار داد. وی با توجه به معیارهای مثل درآمد، بازدهی صاحبان سهام و حاشیه سود عملکرد بانک‌ها را قبل و بعد خصوصی‌سازی مورد بررسی قرار داد. نتایج مطالعه وی نشان داد که دولت‌ها در بیشتر موارد پس از عرضه سهام مالک اصلی بانک‌ها بوده و بیشتر کسب درآمد را دنبال می‌کنند و این نتیجه در اقتصادهای در حال توسعه نسبت به اقتصادهای توسعه نیافته بیشتر است. عملکرد مالی و عملیاتی بانک‌ها در بسیاری موارد بهبود یافته است به طوری که میانگین سودآوری و کارایی عملیاتی و درآمدهای غیربهره‌ای افزایش و درجه اهرم کاهش یافته است.

مأخذ: نتایج تحقیق

- *گروه سوم: پژوهش‌هایی که تعاملات متقابل بین عملکرد بانک‌های دولتی و چرخه‌های سیاسی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند تا درجه مداخله سیاسی را بر عملکرد این نهادها مورد سنجش قرار دهند.* دینک[3] (۲۰۰۵) با استفاده از یک نمونه بین‌کشوری گسترده دریافت که در سال‌های انتخابات، سرعت اعتباردهی بانک‌های خصوصی کاهش یافته، اما رشد اعتبارات بانک‌های دولتی ثابت باقی می‌ماند. کول[4] (۲۰۰۸) نیز در مطالعه موردی هند به این نتیجه رسید که

1. Azureen Abdul Rahman
2. Farida Md Reja
3. Dinc
4. Cole

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

وام‌دهی توسط بانک‌های دولتی در سال‌های انتخابات افزایش می‌یابد. ساپینزا[1] (۲۰۰۴) نشان داد که بانک‌های دولتی ایتالیا در ایالت‌هایی که حزب هیئت مدیره، قوی‌تر است، نرخ‌های بهره پایین‌تری بر وام‌ها وضع می‌کنند. در همین راستا، میکو و همکاران[2] (۲۰۰۷) نشان دادند که نهادهای مالی دولتی، سودآوری کمتر و هزینه‌های بالاتری در مقایسه با بانک‌های تجاری دارند و این شکاف در طول سال‌های انتخابات بیشتر می‌شود.

همان‌طور که در بخش‌های قبلی بیان شد، نظریه‌های مختلفی در خصوص اثرگذاری نوع مالکیت بانک‌ها بر عملکرد آن‌ها وجود دارد، مطالعات متعددی نیز به آزمون آنها پرداخته‌اند. هرچند نوع و چگونگی تأثیرگذاری و شدت آن در مطالعات مختلف، متفاوت می‌باشد، لیکن جملگی آن‌ها وجود رابطه معنی‌داری بین نوع مالکیت بانک و عملکرد آن را تأیید می‌نمایند. پژوهش‌های پراکنده‌ای نیز در خصوص نوع مالکیت و تأثیر آن بر عملکرد بانک‌ها در داخل کشور صورت گرفته است، لیکن عمده آن‌ها اولاً بر گروه واحدی از بانک‌ها (خصوصی یا دولتی) تمرکز داشته‌اند، ثانیاً به کمک مدل‌های مرسوم پانل دیتا[3]، تحلیل پوشی داده‌ها[4] و سلسه مراتبی[5] انجام شده‌اند.

مطالعه حاضر در زمره دسته اول مطالعات فوق‌الذکر جای می‌گیرد و از یک جامعه آماری بزرگ‌تر تشکیل شده است که شامل بانک‌های خصوصی، دولتی و خصوصی‌شده می‌باشد. این داده‌ها امکان مقایسه همزمان عملکرد بانک‌های مورد مطالعه را باتوجه به نوع مالکیت آن‌ها فراهم می‌سازد. همچنین با اقتباس از الگوی مطالعه لین و ژانگ[6] (۲۰۰۹)[7] با ارائه شاخص‌های خصوصی‌سازی، تغییر مالکیت و فهرست شدن در بورس اوراق بهادار، الگوی جدیدی را به

1. Sapienza
2. Micco et al
3. panel data
4. Data Envelopment Analysis (DEA)
5. Analytic Hierarchy Process (AHP)
6. Lin, Zhang

۷. متدولوژی به‌کار گرفته شده در مطالعه لین و ژانگ مطابق الگوی معرفی شده در مطالعه برگر و همکاران (۲۰۰۵) است. جهت مطالعه بیشتر به مقاله‌های یادشده در رفرنس مطالعه حاضر اشاره کامل شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

بررسی‌های این حوزه وارد نموده است. از آنجا که از مدل میانگین جمعیت معادلات برآوردی تعمیم یافته[1] برای برآورد رگرسیون‌ها استفاده شده رویکرد نوینی را در خصوص مدل‌های سنجش این قبیل مطالعات فراهم نموده است.

پژوهش حاضر ضمن آزمون رابطه بین مالکیت بانک‌ها و عملکرد آنها برای ۱۷ بانک ایران، اول، تفاوت عملکرد بانک‌های دولتی را با بانک‌هایی که از ابتدا خصوصی بوده‌اند مقایسه می‌کند. دوم، تفاوت عملکرد این دو گروه از بانک‌ها را با بانک‌های دولتیِ خصوصی شده به بوته آزمون می‌گذارد. سوم، اثر فهرست شدن در بورس اوراق بهادار را بر عملکرد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مورد نظر می‌سنجد.

٤. معرفی متغیرهای مدل و پایه‌های آماری

مشابه سایر مطالعات داخلی و خارجی (لِن و ژانگ، ۲۰۰۹، جیانگ و همکاران[2]،۲۰۰۹، اُدین و سوزکی، [3]۲۰۱۱، برگر و همکاران[4] ۲۰۰۹، هنگ سون و همکاران، ۲۰۱۵) سه شاخص به عنوان متغیرهای عملکرد در نظر گرفته شده است: بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی و نسبت هزینه به درآمد عملیاتی. در ادامه متناسب با هر یک از این متغیرها، یک مدل پانل برآورد خواهد شد.

دارایی‌های بانک‌ها، نسبت تسهیلات به سپرده، نسبت نقدینگی(نسبت وجوه نقد به دارایی)، نسبت اهرمی(نسبت کل بدهی به حقوق صاحبان سهام)، نسبت حاشیه سود عملیاتی(نسبت سهم بانک از درآمدهای مشاع به کل درآمدها) و نسبت کل سپرده به کل بدهی‌ها که از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر هر مؤسسه مالی و اعتباری است (مشابه مطالعه لِن و ژانگ، ۲۰۰۷، جیانگ و همکاران، ۲۰۰۹، اُدین و سوزکی، ۲۰۱۱، برگر و همکاران، ۲۰۰۹، گزارش ارزیابی ریسک سیستم بانکی اروپا، ۲۰۱۶، و پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۶) به عنوان متغیرهای کنترل وارد مدل شده‌اند. برای ارزیابی اثر مالکیت، اثر خصوصی‌سازی و اثر وارد شدن در بورس از سه متغیر

1. population-averaged generalized estimating equationsn
2. Jiang et all
3. Uddin and Suzuki
4. Berger, Hasan & Zhou

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

دامی استفاده شده است (مشابه مطالعه هنگ سون و همکاران، ۲۰۱۵، لِن و ژانگ، ۲۰۰۷، جیانگ و همکاران،۲۰۰۹، اُدین و سوزکی،، ۲۰۱۱، یوان سو و همکاران، ۲۰۰۶).

دوره زمانی مطالعه ۱۳۹۴-۱۳۸۳ است و اطلاعات تمامی بانک‌ها با مراجعه به پایگاه‌ها و منابع آماری مختلف نظیر گزیده آمارهای پولی و بانکی بانک مرکزی، پژوهشکده پولی و بانکی، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران و ترازنامه بانک‌ها گردآوری شده است.

جدول۲. معرفی متغیرهای به‌کار گرفته شده در مطالعه حاضر

شاخص‌ها	تعریف عملیاتی
شاخص‌های عملکردی	نسبت هزینه به درآمد (Cost on Incom): نسبت هزینه کل به درآمد کل را نشان می‌دهد که به نوعی بیانگر کارایی هزینه‌های بانکی است و هر چه این نسبت کمتر باشد، بانک‌ها به لحاظ هزینه‌ای کاراتر هستند.
	بازده دارایی (Return on Asset): برابر نسبت سود به دارایی است. دارایی‌های بانک از بدهی و حقوق صاحبان سهام شامل شده‌اند و برای اداره وجوه بانک استفاده می‌شوند مقدار این نسبت نشان می‌دهد که بانک تا چه حد در تبدیل پولی که سرمایه‌گذاری نموده است به سود خالص موفق بوده است. مقدار بالای نسبت یادشده بهتر است زیرا بانک پول بیشتری را از سرمایه‌گذاری کمتری به‌دست آورده است.
	نسبت بازده حقوق صاحبان سهام (Return on equity):که از تقسیم سود به حقوق صاحبان سهام حاصل می‌شود. این نسبت، میزان کارایی یک بانک در خلق سود خالص برای سهامداران را نشان می‌دهد. در واقع این نسبت بیان می‌کند که بانک به ازای هر یک واحد سرمایه‌گذاری سهامداران، چه میزان سود خالص برای آنها کسب می‌کند.
شاخص‌های مستقل	اثر ورود به بورس(Selection): برای سه بانک ملت و تجارت و صادرات که سهام‌هایشان به بورس رفته است از سال ورودشان به بورس (سال خصوصی‌سازی) یک و مابقی بانک‌های خصوصی و دولتی و بانک رفاه (که سهام آن در اختیار تأمین اجتماعی قرار گرفت) صفر لحاظ گردیده است. این شاخص اثر بورس را می‌سنجد.
	اثر خصوصی‌سازی(:Dynamic): متغیر دامی است که برای بانک‌هایی که در دوره مورد بررسی مشمول تغییر مالکیت شدند را تا سال خصوصی‌سازی و سال بعد خصوصی سازی صفر و بعد آن یک و برای تمامی بانک‌های خصوصی و دولتی که تغییر مالکیت را تجربه ننموده‌اند یک لحاظ گردیده است. این شاخص به نوعی خصوصی‌سازی را در مطالعه حاضر اندازه‌گیری می‌کند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

شاخص‌ها	تعریف عملیاتی
متغیرهای کنترلی	اثر مالکیت(Static): متغیری دامی است که برای بانک‌هایی که در دوره مورد بررسی تغییر مالکیت داشته‌اند یک و برای مابقی بانک‌ها، صفر در نظر گرفته شده است. این شاخص به نوعی اثر تغییر مالکیت را بر عملکرد بانک‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد.
	نسبت نقدینگی (Liquidity Ratio): نقدینگی عبارتست از توانایی بانک در تبدیل دارایی‌های غیر نقدی به وجه نقد و یا تحصیل وجه نقد به منظور پاسخگویی به تعهدات جاری خود. نقدینگی اصولاً مقوله‌ای کوتاه مدت است و از لحاظ دوره زمانی برابر یا کمتر از یک سال را شامل م شود. نسبت نقدینگی معمولا شامل سه نوع نسبت جاری، آنی یا سریع و نسبت پول نقد می‌باشد که به جهت توانایی پرداخت تعهدات بانک در صورت به وجودآمدن موارد اضطراری نسبت پول نقد در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است. نسبت وجوه نقد به دارایی است.
	نسبت تسهلات به سپرده (Facility to deposit):این نسبت در واقع چگونگی مدیریت منابع و مصارف بانک‌ها را نشان می‌دهد. براساس آمارهای بانک مرکزی بانک‌ها مجازند، پس از کسر سپرده قانونی بین ۷۵ تا ۸۰ درصد از منابع (سپرده ها) خود را به عنوان تسهیلات پرداخت می‌کنند. کاهش این نسبت به کاهش ارائه تسهیلات از جانب بانک‌ها و سرانجام رکود اقتصادی منجر خواهد شد. به بیان بهتر این نسبت نشان می‌دهد که بانک چند درصد از سپرده‌های جذب شده از عموم مردم را تبدیل به سپرده‌هایی نموده است که از محل آن‌ها می‌تواند سود کسب نموده و درآمدهای مشاع خود را افزایش دهد. لذا مبرهن هست که هرچه این نسبت بیشتر باشد، درآمدهای مشاع بانک افزایش بیشتری خواهد داشت. افزایش این نسبت در کنار کاهش میزان مطالبات غیرجاری می‌تواند به روند بهبود منابع بانک‌ها و چرخش جریان نقدینگی در بازار پول کمک کند.
	دارایی‌های بانک(Asset): منابعی که دارای ارزش اقتصادی برای بانک هستند از جمله دارایی‌های نقد، مطالبات از بانک مرکزی، مطالبات از بانک‌ها و مؤسسات مالی، خالص تسهیلات اعطایی و مطالبات از بخش دولتی و غیردولتی و هرآنچه در ترازنامه بانک تحت عنوان دارایی ثبت می‌شود.
	نسبت کل سپرده به کل بدهی(Deposits in Liability): به منظور ارزیابی تأمین مالی بانک‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

شاخص‌ها	تعریف عملیاتی
	حاشیه سود عملیاتی بانک‌ها (Operating profit margin): این نسبت که از تقسیم سهم بانک از درآمدهای مشاع به کل درآمدهای مشاع به‌دست می‌آید نشان می‌دهد که همزمان بانک با چه هزینه‌ای توانست است سپرده جذب کند و چه میزان از کل منابع در اختیار خود (هزینه‌زا و منابع سهامدار) را استفاده نموده و چگونه توانسته است از این منابع سود بسازد. این نسبت درجه ریسک و کارایی بانک را نشان می‌دهد.
	نسبت اهرمی(Leverage ratio): کل بدهی تقسیم بر حقوق صاحبان سهام. این نسبت مشخص می‌کند که چه رابطه‌ای بین طلبکاران و سهامداران وجود دارد و در واقع چه درصدی از بدهی‌ها به وسیله حقوق صاحبان سهام پوشش داده می‌شود. به عبارت بهتر این نسبت نشان می‌دهد که یک بانک برای تأمین مالی دارایی هایش چند برابر حقوق صاحبان سهام خود را قرض نموده است. هرچه این نسبت بالاتر باشد، ریسک سرمایه‌گذاری بالاتر است. از طرفی دیگر پایین بودن آن هم نشانگر بلوکه شدن بخشی از منابع مالی سهامداران و یا عدم موفقیت آن‌ها در جذب سپرده‌ها است. لذا پایین بودن آن ریسک کمتر بانک را مشخص می‌کند. به همین جهت هرچه نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام پایین تر باشد امتیاز بالاتری به بانک مربوط داده می‌شود.

مأخذ: نماگرهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی (۱۳۹۶)؛ رضانژاد، (۱۳۸۹) گزارش‌های پژوهشکده پولی و مالی، ۱۳۹۴-۱۳۹۶

آمار توصیفی و تحلیلی بر نسبت‌های مالی بانک‌ها در ایران

توصیف گویه‌های متغیرهای مورد استفاده در مطالعه پیش‌رو به کمک نرم افزار SPSS.16 صورت گرفت که در جدول شماره (۳) گزارش شده است. در ادامه تحلیل مختصری از ارقام منتسب به نسبت‌های مالی سه گروه بانک در جدول مذکور ارائه می‌شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرها به تفکیک بانک‌های دولتی، خصوصی و خصوصی شده

متغیرها	نوع مالکیت	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار از میانگین	انحراف از معیار	بالاترین مقدار	کمترین مقدار
لگاریتم دارایی ها	خصوصی	۷۶	۴/۹۱	۰/۰۵۹	۰/۵۱۶	۶	۴
	دولتی	۶۶	۵/۲۹	۰/۰۶۸	۰/۵۵۵	۶	۴
	خصوصی شده	۴۴	۵/۵۷	۰/۰۶۴	۰/۴۲۷	۶	۵
نسبت حاشیه سود عملیاتی	خصوصی	۶۹	۲۴/۹۹	۳/۶۵۸	۳۰/۳۸۹	۱۸۲	۱
	دولتی	۶۴	۴۴/۹۶	۳/۷۶۰	۳۰/۰۷۹	۱۳۹	۱
	خصوصی شده	۳۸	۲۲/۹۶	۲/۱۸۵	۱۳/۴۷۰	۵۳	۲
نسبت اهرمی	خصوصی	۷۷	۱۱۳۹/۴۷	۱۰۴/۳۹۰	۹۱۶/۰۱۷	۶۹۴۳	۳
	دولتی	۶۵	۳۷۱۵/۸۴	۱۴۱۵/۱۹۷	۱۱۴۰۹/۶۸۰	۶۹۸۵۱	۶۳
	خصوصی شده	۴۴	۲۳۳۶/۴۷	۳۳۱/۹۲۵	۲۲۰۱/۷۴۱	۱۴۶۹۶	۸۸۱
نسبت کل سپرده به کل بدهی	خصوصی	۷۷	۱۱۰/۱۶	۱۷/۶۱۱	۱۵۴/۵۳۶	۹۱۷	۲
	دولتی	۶۶	۵۴/۰۳	۳/۱۳۷	۲۵/۴۸۲	۱۰۰	۲
	خصوصی شده	۴۴	۷۵/۴۶	۲/۱۴۶	۱۴/۲۳۸	۹۶	۳۰
نسبت تسهیلات به سپرده	خصوصی	۷۷	۲۰۰/۶۲	۶۱/۶۰۲	۵۴۰/۵۵۵	۴۲۹۳	۰
	دولتی	۶۶	۴۰۸/۶۳	۱۴۲/۵۸۹	۱۱۵۸/۳۹۶	۶۰۷۵	۴۶
	خصوصی شده	۴۳	۸۲/۹۷	۲/۹۱۲	۱۹/۰۹۸	۱۳۰	۴۵
نسبت نقدینگی	خصوصی	۷۶	۰/۹۱	۰/۲۲۷	۱/۹۷۸	۱۶	۰
	دولتی	۶۶	۰/۹۹	۰/۱۰۱	۰/۸۱۷	۴	۰
	خصوصی شده	۴۴	۰/۹۹	۰/۰۹۸	۰/۶۵۲	۳	۰
بازده حقوق صاحبان سهام	خصوصی	۷۷	۲۲/۹۶	۱/۳۷۲	۱۲/۰۴۱	۶۱	۰
	دولتی	۶۵	۳۶/۶۵	۲۳/۰۹۳	۱۸۶/۱۸۳	۱۴۰۱	۰
	خصوصی شده	۴۴	۱۵/۲۸	۲/۵۳۸	۱۶/۸۳۴	۸۹	۰
بازده سود دارایی ها	خصوصی	۷۶	۲/۲۸	۰/۱۶۳	۱/۴۲۳	۸	۰
	دولتی	۶۶	۱/۱۰	۰/۳۲۹	۲/۶۷۵	۱۶	۰
	خصوصی شده	۴۴	۰/۷۷	۰/۱۱۴	۰/۷۵۷	۵	۰
نسبت هزینه به درآمد	خصوصی	۷۶	۶۱/۸۶	۱۳/۸۹۰	۱۲۱/۰۸۷	۷۹۸	۲
	دولتی	۶۵	۸۱/۳۱	۳/۰۹۷	۲۴/۹۶۹	۱۱۱	۰
	خصوصی شده	۴۴	۸۲/۷۸	۱/۹۸۱	۱۳/۱۴۳	۱۴۱	۶۳

مأخذ: نتایج تحقیق

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، نسبت حاشیه سود عملیاتی در بانک‌های دولتی برابر ۴۴ درصد و در بانک‌های خصوصی برابر ۲۴ درصد و در بانک‌های دولتیِ خصوصی شده برابر ۲۲درصد است. در واقع عددهای مربوط به حاشیه سود بیانگر این واقعیت هستند که بانک‌های دولتیِ خصوصی شده نسبت به دو گروه دیگر مدیریت موفق‌تری نسبت به هزینه‌های خود داشته‌اند. این وضعیت در بانک‌های خصوصی نسبت به بانک‌های دولتی نیز وضعیت مناسب‌تری دارد. همچنین اعداد مربوط به نسبت نقدینگی نیز حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی در پاسخ به تعهدات جاری خود نسبت به دو گروه دیگر وضعیت بهتر داشته‌اند (نسبت نقدینگی برابر ۰/۲). با این وجود، این نسبت در بانک‌های دولتی نسبت به بانک‌های دولتیِ خصوصی شده بهتر است.

نگاهی به اعداد مربوط به حقوق صاحبان سهام بیانگر وضعیت بهتر سودآوری سهامداران در بانک‌های دولتی نسبت به وضعیت سهامداران در دو گروه دیگر است. البته وضعیت سودآوری سهامداران در بانک‌های خصوصی نسبت به بانک‌های دولتیِ خصوصی شده بهبود یافته است.

نسبت‌های مالی یکی از ابزارهای قابل اتکا سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری است و می‌توانند برای بررسی عملکرد بانک‌ها مورد استفاده قرار بگیرند. باتوجه به ارتباط معنی‌داری که بین این نسبت‌ها مشاهده می‌شود، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که بانک‌های دولتی از سودآوری پایین‌تر نقدشوندگی کمتر نسبت به بانک‌های خصوصی برخوردار هستند. همچنین بانک‌هایی که از ابتدا خصوصی بوده‌اند، کارایی بهتری نسبت به بانک‌هایی دارند که بعداً خصوصی بوده‌اند.

۵. برآورد مدل و یافته‌های تحقیق

روش شناسی مطالعه حاضر به تبعیت از مقاله لین و ژانگ (۲۰۰۹) و براساس مطالعه برگر و همکاران[1] (۲۰۰۵) ارائه شده است و مطابق مطالعات یاد شده متغیرهای عملکرد و متغیرهای توضیح دهنده آن‌ها برگزیده شده‌اند.

1. Berger et all

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

باتوجه به نوع داده‌ها که طولی (پانلی) هستند و بین مشاهدات هر گروه همبستگی وجود داشته، لیکن بین گروه‌ها همبستگی مشاهده نمی‌شود، از مدل تجزیه و تحلیلی میانگین جمعیت معادلات برآوردی تعمیم یافته[1] برای برآورد هر مدل استفاده شد. این مدل توسط ذِگِر و لیانگ[2] در سال ۱۹۸۶ پایه‌ریزی شد. عنوان «میانگین جمعیت» به این واقعیت اشاره دارد که این مدل تغییر میانگین متغیر وابسته را، به ازای هر یک واحد افزایش در یک متغیر در کل جمعیت (پانل) محاسبه می‌کند. همچنین براساس این مدل‌ها، رگرسیون خطی تعمیم یافته از قید استقلال داده‌ها آزاد می‌شود. به بیان دیگر در روش معادلات برآوردی تعمیم‌یافته، همبستگی درون‌گروهی موجود با استفاده از ساختار همبستگی فرضی در تابع شبه درستنمایی[3] مدل‌سازی می‌شود. پنج ساختار همبستگی اصلی مختلف وجود دارد که باتوجه ساختار داده‌های مطالعه حاضر از ساختار همبستگی مستقل[4] و قابل مبادله[5] استفاده شد. در ساختار همبستگی مستقل فرض می‌شود که همبستگی بین مشاهدات صفر است.

همچنین در ساختار همبستگی قابل مبادله نیز فرض می‌شود که باتوجه به دنباله‌ای محدود از مشاهدات، ترتیب دوباره این دنباله به همان اندازه ممکن است رخ دهد. به بیان ساده‌تر مشاهدات داخل هر گروه دارای همبستگی یکسانی هستند. این ساختارها به وسیله ماتریس واریانس – کواریانس توضیح داده شده‌اند (الیسون[6]، ۲۰۱۷، تویسک[7]، ۲۰۰۳ و لیانگ و زِگر[8]، ۱۹۸۶). در ادامه و به منظور پاسخ به پرسش‌های محوری مقاله برآوردهای مورد هدف مطالعه انجام گرفته که

1. population-averaged generalised estimating equations
2. Zeger & Liang
3. Quasi Likelihood
4. Independent
5. Exchangeable
6. Allison
7. Twisk
8. Liang & Zeger

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

نتایج در جداول زیر ارائه شده است[۱]. مقادیر p- value <0.05 برای معناداری آماری ملاک قرار داده شده است.

به تبعیت از مقاله لین و ژانگ (۲۰۰۹) و لیو و چانگ[۲] (۲۰۱۳) و به منظور بررسی تأثیر نوع مالکیت بانک‌ها بر عملکرد بانک‌ها، سه رگرسیون زیر برآورد گردید که متغیر وابسته در هر یک از این معادلات، منعکس‌کننده شاخص عملکرد بانک‌ها است.

$$\text{col}^{3}_{it} = \text{c} + \beta_1 \text{Liquidity ratio}_{it} + \beta_2 \text{operating profit margin}_{it} + +\beta_{۳} static_{it} + \beta_{۴} dynamic_{it} + \beta_{۵} selection_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

$$\text{roa}^{4}_{it} = \text{c} + \beta_1 \log Asset_{it} + \beta_2 \text{Liquidity ratio}_{it} + \beta_3 \text{operating profit margin}_{it} + \beta_4 static_{it} + \beta_5 dynamic_{it} + \beta_6 selection_{it} \quad (۲)$$

$$\text{roe}^{5}_{it} = \text{c} + \beta_1 \text{Liquidity ratio}_{it} + \beta_2 \text{Leverageratio}_{it} + \beta_3 Deposits\ in\ Liability_{it} + \beta_4 static_{it} + \beta_5 dynamic_{it} + \beta_6 selection_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

همان‌طور که از جداول (۴) تا (۶) مشاهده می‌شود، برای هر سه متغیر عملکردی، باتوجه به مقدار و سطح معناداری آمارهF، فرضیه H_0 مبنی بر بی‌معنا بودن کل مدل (صفر بودن تمام ضرایب) رد می‌شود، لذا کل مدل معنادار است. لیکن ضریب تعیین R^2 برای همه مدل‌های مورد بحث حاکی از توضیح دهندگی متغیر وابسته توسط همه متغیرهای مستقل نبوده و برای هر مدل این نتیجه متفاوت است.

---

۱. مبانی نظری مدل‌های برآوردی تعمیم یافته که در مطالعه حاضر به‌کارگرفته شده است، موجود می‌باشد،اما باتوجه به حجم قابل توجه صفحات مطالعه حاضر و محدودیت‌های مطرح شده در فصلنامه، از آوردن آن‌ها خودداری و تنها به ارایه خلاصه‌ای از آن‌ها بسنده شده است.

2. Liu and Chang
3. Cost on Income
4. Return on Asset
5. Return on equity

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

نتایج نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی به طور معناداری روی نسبت هزینه به درآمد عملیاتی تأثیر داشته است (۵۶/۵۱). این تأثیرگذاری بر شاخص بازده دارایی‌ها (نسبت درآمد خالص به کل دارایی‌ها) هرچند چشمگیر نبوده، اما مثبت می‌باشد (۲/۳۴). در عین حال خصوصی‌سازی بر شاخص بازده حقوق صاحبان سهام اثری نداشته است.

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون اول، متغیر عملکرد:هزینه – درآمد (٪)درصد

متغیر وابسته	ضرایب و (prob) متغیرهای توضیحی مدل					آماره F (معناداری مدل)	R^2 مدل	R^2 تعدیل شده مدل
	operating profit margin	Liquidity Ratio	*static*	*dynamic*	*selection*			
Cost on Incom	-۰/۰۵ (۰/۷)	۱۴/۷۲ (۰/۰۰۱)	۷۶/۱۹ (۰/۰)	۵۶/۵۱ (۰/۰)	-۵۱/۳ (۰/۰۵)	۳۳/۷ (۰/۰)	۰/۴۷	۰/۴۶

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون دوم، متغیر عملکرد: بازده دارایی‌ها (٪)درصد

متغیر وابسته	ضرایب و **(prob)** متغیرهای توضیحی مدل							F (معناداری مدل)	مدل R^2	R^2 تعدیل شده مدل
	operating profit margin	Leverage ratio	logAsset	static	dynamic	selection				
Return on Asset	۰/۰۰۹ (۰/۰۲)	۰/۰۰۰۴ (۰/۰)	-۰/۳ (۰.۰۲)	۴/۱۵ (۰.۰۱)	۲/۳۴ (۰/۰)	-۰/۶۱ (۰.۳)		۲۸/۹۷ (۰/۰)	۰/۵۶	۰/۵۵

مأخذ: نتایج تحقیق

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون سوم، متغیر عملکرد: بازده حقوق صاحبان سهام (٪)درصد

متغیر وابسته	ضرایب و (prob) متغیرهای توضیحی مدل							F (معناداری مدل)	R^2 مدل	R^2 تعدیل شده مدل
	Deposits in Liability	Leverage ratio	Liquidity ratio	static	dynamic	selection				
Return on equity	۰/۰۳ (۰/۳)	۰/۰۱ (۰/۰)	-۴/۰۹ (۰.۱)	-۳۳/۴۳ (۰.۰۲)	-۲/۶۴ (۰.۶)	۲۸/۰۸ (۰.۱)		۱۰۳/۳۸ (۰/۰)	۰/۷۷	۰/۷۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین تأثیر تغییر مالکیت بر نسبت هزینه به درآمد(۷۶/۱۹) و بازده دارایی‌ها (۴/۱۵) معنادار و مثبت برآورد شده است. اما تأثیر آن بر بازده حقوق صاحبان سهام منفی می‌باشد (۳۳/۴۳-). از سوی دیکر نگاه به جداول برآورد پیامد مهم دیگری را خاطر نشان می‌نماید و آن این‌که ورود سهام بانک‌های ملت، تجارت و صادرات به بورس اوراق بهادار بر بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی‌ها اثر معناداری نداشته (احتمال ضریب t به ترتیب برابر ۰/۱ درصد و ۰/۳ درصد حاکی از غیرمعناداری ضریب متغیر مربوط به وارد شدن به بورس است)، اما بر نسبت هزینه به درآمد اثر منفی داشته است (۵۱/۳-).

٦. جمع‌بندی و پیشنهادها

غالب مطالعات با اشاره به دلایل سیاسی و نظام بورکراتیک خاص حاکم بر بانک‌های دولتی، حکم بر ضعیف‌تر بودن عملکرد بانک‌های دولتی نسبت به بانک‌های خصوصی داده‌اند. مروری بر عملکرد بانک‌ها در کشور (جدول ۳) طی سال‌های اخیر نیز حاکی از آن است که در اکثر نسبت‌های مالی مورد بحث، بانک‌های خصوصی از عملکرد بهتری نسبت به بانک‌های دولتی برخوردار بوده‌اند. البته تفاوت آنها چندان چشمگیر نبوده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

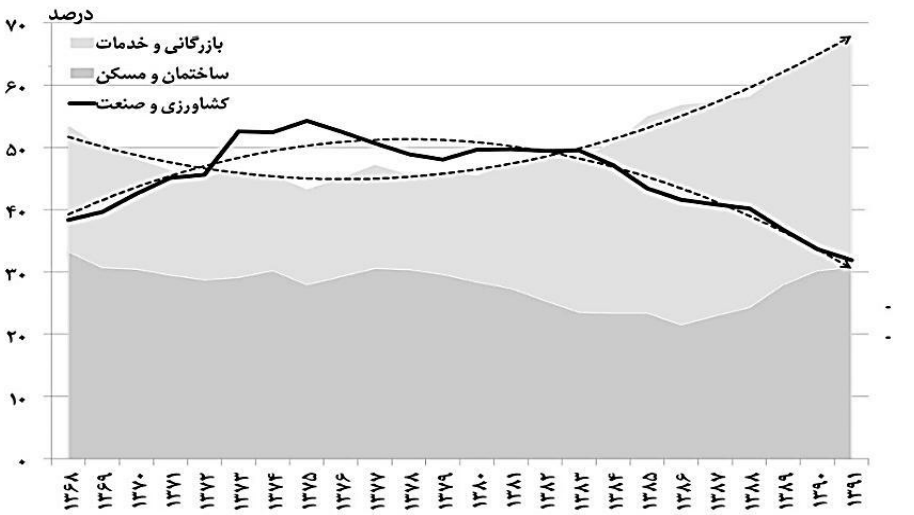
همچنین، نتایج این مطالعه حاکی از آن است که خصوصی‌سازی، تغییر مالکیت (از دولتی به خصوصی) و وارد شدن سهام بانک‌ها به بورس اوراق بهادار، بر خلاف انتظار، منجر به بهبود عملکرد بانک‌ها نشده است و در برخی موارد خود مشکلاتی را در پی داشته است.

این نتایج می‌تواند ناشی از عوامل زیر یا ترکیبی از آنها باشد که خود مستلزم بررسی‌های جداگانه‌ای است:

- روش واگذاری سهام بانک‌ها چندان موفقیت‌آمیز نبوده است چرا که عمدتاً دولت‌ها بخش کوچکی را به عنوان سهم خود حفظ می‌نمایند و از این طریق کنترل خود بر بانک‌های واگذار شده را حفظ می‌کنند.
- وضع تکالیف متعدد به ویژه برای بانک‌های دولتی: تکالیف متعددی از محل قوانین موجود (اعم از قوانین بودجه و سایر قوانین) و مصوبات دولت برای نظام بانکی تعیین شده است که از جمله آنها می‌توان به پرداخت تسهیلات برای خرید کالاهای اساسی شامل گندم داخلی و سایر محصولات کشاورزی، پرداخت سالانه ۲۰۰ هزار فقره تسهیلات برای مسکن روستایی با نرخ یارانه‌ای ۵درصد، پرداخت سالانه ۳۰۰ هزار فقره تسهیلات جهت بازسازی بافت فرسوده شهری، پرداخت تسهیلات بابت مسکن نخبگان، پرداخت تسهیلات بابت مسکن مهر، الزام به پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده، پرداخت تسهیلات به آسیب‌دیدگان حوادث غیرمترقبه با نرخ‌های یارانه‌ای اشاره نمود. تحت این شرایط که بانک‌ها ملزم به اعطای تسهیلات به اقشار خاص و یا پرداخت تسهیلات به طرح‌های معرفی شده از سوی کارگروه استان‌ها در سرفصل بنگاه‌های زودبازدهی هستند که گاهی دارای توجیه فنی و اقتصادی نیستند و احتمال نکول و معوق شدن وام‌ها در این موارد بیشتر است. این امر موجب بدتر شدن شاخص‌های عملکرد بانک‌های دولتی در مقایسه با بانک‌های خصوصی می‌شود. اگر چه ممکن است از نظر توسعه‌ای عملکرد این دسته از بانک‌ها قابل دفاع باشد که خود نیازمند بررسی‌های جداگانه‌ای است.
- متفاوت بودن ترکیب وام‌های اعطایی به فعالیت‌های مختلف اقتصادی: با مجاز شدن تأسیس بانک‌های خصوصی در برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور، در طول زمان بر تعداد بانک‌های

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

خصوصی کشور افزوده شده است. در اواخر دهه ۱۳۸۰ که بر شمار بانک‌های خصوصی افزوده شده، تغییر قابل‌ملاحظه‌ای در روند سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از مانده تسهیلات اعطایی رخ داده است به طوری‌که سهم بخش‌های کشاورزی و صنعت از مانده تسهیلات بانکی از حدود ۵۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به حدود ۳۰ درصد کاهش یافته و سهم تسهیلات اعطایی به بخش‌های بازرگانی، خدمات و مسکن از ۴۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به حدود ۷۰درصد افزایش یافته است[1] (به نمودار (۱) نگاه کنید). مروری بر آمارهای ارائه شده از سوی بانک مرکزی حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی، نقش غالبی در هدایت منابع مالی به سمت بخش‌های بازرگانی، خدمات و مسکن داشته‌اند.

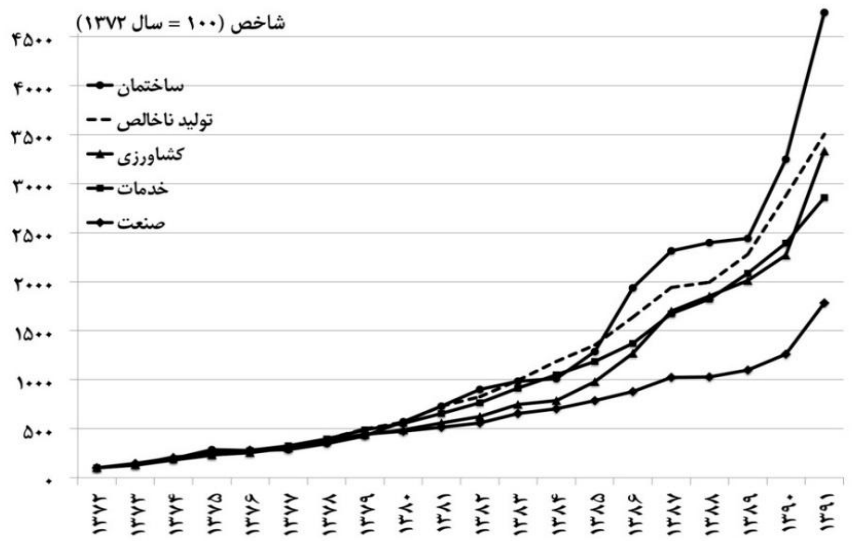


نمودار ۱. سهم بخش‌های مختلف اقتصادی غیردولتی از مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیردولتی
مأخذ: بانک مرکزی، گزیده آمارهای اقتصادی، بخش پولی و بانکی

۱. بررسی آثار و تبعات تغییر در تخصیص منابع و هدایت پس‌اندازها از بخش صنعت و کشاورزی به خدمات و ساختمان مطالعات دیگری را می‌طلبد و از حوصله مقاله حاضر خارج است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

تلفیق مشاهدات فوق با این واقعیت کلیدی در اقتصاد ایران که رشد شاخص‌های ضمنی بخش ساختمان و خدمات بالاتر از بخش‌های صنعت و کشاورزی است (به نمودار (۲) نگاه کنید) ما را به این یافته مهم رهنمون می‌سازد که به نظر می‌رسد بانک‌های خصوصی به‌این‌دلیل از شاخص‌های عملکرد بهتری در مقایسه با بانک‌های دولتی برخوردارند که منابع را به سمت بخش‌هایی هدایت کرده‌اند که قدرت قیمت‌گذاری بالایی در مقایسه با کشاورزی و صنعت دارند، لذا از استطاعت و توانایی بیشتری نیز برای پرداخت بهره‌های بالا به سیستم بانکی برخوردارند.



نمودار ۲. روند شاخص ضمنی تعدیل‌کننده بخش‌های اقتصادی کشور

مأخذ: بانک مرکزی، گزیده آمارهای اقتصادی

- *بدهی دولت به بانک‌های دولتی*: صرف‌نظر از دلایل ایجاد بدهی دولت به بانک‌ها، مروری بر آخرین آمارهای پولی و بانکی که توسط بانک مرکزی برای بهمن ۱۳۹۴ انتشار یافته است حاکی از آن است که بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی کشور ۱۱۷ هزار میلیارد تومان بوده است که ۳۲ هزار میلیارد تومان (۲۷ درصد) بدهی دولت به بانک‌های تجاری، ۳۸ هزار میلیارد تومان (۳۳ درصد) بدهی دولت به بانک‌های تخصصی و ۴۷ هزار میلیارد تومان (۴۰ درصد)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

بدهی دولت به بانک‌های غیردولتی بوده است. بدین ترتیب همان‌طور که مشاهده می‌شود حدود ۴۰درصد از بدهی دولت از بانک‌های غیردولتی تأمین شده است. این در حالی است که بدهی دولت به بانک‌های غیردولتی صرفاً ۳/۷ درصد از کل منابع این دسته از بانک‌ها را تشکیل می‌دهد حال آنکه حدود ۱۰ درصد از کل منابع بانک‌های تخصصی و ۹/۷ درصد از کل منابع بانک‌های تجاری را به خود اختصاص داده است. با توجه به این‌که طی سال‌های اخیر، بخشی از درآمدهای دولت به دلیل تحریم‌های اقتصادی محقق نشده است، لذا بدهی دولت به بانک‌ها به مثابه آن است که بخشی از منابع سیستم بانکی بلوکه شده و از توانایی بانک‌ها در اعطای وام کاسته شده است.

در پایان اضافه می‌شود که هر چند تکالیف وضع شده روی بانک‌های دولتی تاحدودی منجر به هدایت پس‌اندازها به سمت مصارفی می‌شود که نه تنها به توان تولیدی کشور نمی‌افزاید، بلکه انبوهی از مطالبات معوق را ایجاد می‌کند و سیستم بانکی را با چالش مواجه می‌نماید. اما این مطلب به آن معنی نیست که صرفاً به دلیل سهم پایین‌تر بانک‌های خصوصی در وام‌دهی به دولت، شاخص‌های عملکرد این بانک‌ها بهتر از بانک‌های دولتی یا بانک‌های خصوصی شده باشد، بلکه برآوردها حاکی از آن است که زیان انباشته بانک‌های خصوصی بیش از بانک‌های دولتی است و اکنون در معرض ادغام با بانک‌های دیگر قرار گرفته‌اند. ضمن این‌که بانک‌های خصوصی به دلیل مشکلاتی که در صورت‌های مالی داشته‌اند در سال‌های اخیر به سختی مجمع را برگزار کرده‌اند و گاهی‌اوقات بانک مرکزی برای باز شدن نماد آنها در بورس با مسامحه اجازه تشکیل مجمع را داده است.

منابع

اباذر، سروش (۱۳۸۶)، "بررسی عملکرد بانک‌های دولتی پس از واگذاری به بخش خصوصی (مورد کاوی بانک‌های خارجی)". *مجله بورس*. شماره۶۷، صص ۵۴-۷۳.

کمیجانی، اکبر (۱۳۸۲)، *ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی سازی در ایران(چاپ اول)*. تهران. معاونت امور اقتصادی.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا و نادر مهرگان (۱۳۹۳). *اقتصاد سنجی پانل دیتا* (چاپ چهارم). تهران: مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران.

عباسی‌نژاد، حسین (۱۳۸۰)، *اقتصادسنجی(مبانی و روش‌ها)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

زنگی آبادی، علی و رحمان علی حسینی (۱۳۸۹)، "سیرتحول بانکداری در ایران"، *بانک و اقتصاد*، شماره ۱۱۰.

شهیکی تاش و همکاران (۱۳۹۳) "خصوصی سازی بانک‌ها و تأثیر آن بر بهبود عملکرد و رشد اقتصادی"، *کنفرانس بین‌المللی و آنلاین اقتصاد سبز*، دانشگاه مازندران.

Andrianova S . et all, (2010), "Is Government Ownership of Banks Really Harmful to Growth?, Discussion Papers of DIW Berlin", *German Institute for Economic Research*.

Bayyurt N. (2013), "Ownership Effect on Bank's Performance: Multi Criteria Decision Making Approaches on Foreign and Domestic Turkish Banks", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, No. 99, pp. 919-928.

Shleifer A. and R.W. Vishny (1997) "A Survey Of Corporate Governance". *Journal of Finance*, Vol. 52, No. 2, pp. 737-783.

Berger A.N., Hasan I. and M. Zhou (2009), "Bank Ownership and Efficiency in China: What will Happen in the World's largest Nation?", *Journal of Banking and Finance*, No. 33, pp. 113-130.

Bonin J.P., Hasan I. and P. Wachtel (2002), "Privatization Matters: Bank Efficiency in Transition Countries". *William Davidson Institute*, Working Paper 679.

Cole S. (2008). "Fixing Market Failures or Fixing Elections?". *American Economic Journal: Applied Economics*, 1(1), pp. 219-50.

Cornett M.M., Guo L., Khaksari Sh. and H. Tehranian (2009). "The Impact of State Ownership on Performance Differences in Privately-Owned versus State-Owned Banks: An International Comparison". *Journal of Financial Intermediation*, Article in Press, Available in: https://www2.bc.edu/~tehranih/Performance_Difference.pdf.

Demirgüç-Kunt A. and H. Huizinga (2000). "Determinants of Commercial Bank Interest Margins and Profitability: Some International Evidence". *World Bank Economic Review*, 13(2), pp. 379-408.

Dinc, S. (2005). "Politicians and Banks: Political Influences on Government-Owned Banks in Emerging Countries", *Journal of Financial Economics*, 77(2), pp. 453-79.

Körner T. and I. Schnabel (2010). "Public Ownership of Banks and Economic Growth-The Role of Heterogeneity". *Working Paper Series of the Max Planck Institute for Research on Collective Goods*, No. 41.

La Porta R., López-de-Silanes F. and A. Shleifer (2002). "Government Ownership of Banks". *Journal of Finance*, 57(2), pp. 265-301.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

Lassoued N. (2016). "The Impact of State and Foreign Ownership on Banking Risk: Evidence from the MENA Countries". *Research in International Business and Finance*, No. 36, pp.167-187.

Levy-Yeiati E., Micco A. and U. Panizza (2007). "A Reappraisal of State-Owned Banks. Economic", 7(2), pp. 209-247.

Lin X. and Y. Zhang (2009). "Bank Ownership Reform and Bank Performance in China". *Journal of Banking & Finance*, No. 33, pp. 20–29.

Micco A. and U. Panizza (2007. "Bank Ownership and Lending Behavior". *Economics Letter*, No. 93, pp. 248-254.

Micco A., Panizza U. and M. Yañez (2004). "Bank Ownership and Performance Inter-American Development Bank". *Research Department Working Paper*, No. 518.

Micco A., Panizza U. and M. Yañez (2007). "Bank Ownership and Performance: Does Politics Matter?". *Journal of Banking and Finance*, 31(1), pp. 219–41.

Sapienza P. (2004). "The Effects of Government Ownership on Bank Lending". *Journal of Financial Economics*, 72 (2), pp. 357-384.

Uddin S. and Y. Suzuki (2011). "Financial Reform, Ownership and Performance in Banking Industry:The Case of Bangladesh", *International Journal of Business and Management*, 6(7), pp. 28-39.

Hong Son N. (2015). "Impact of Ownership Structure and Bank Performance – An Empirical Test in Vietnamese Banks". *International Journal of Financial Research*, Vol. 6, No. 4. pp.123-133.

Azureen Abdul Rahman N. and A. Farida Md Reja (2015). "Ownership Structure and Bank Performance", *Journal of Economics, Business and Management*, Vol. 3, No.5, pp. 483-488.

Liang K.Y. and S.L. Zeger (1986). "Longitudinal Data Analysis Using Generalized Linear Models". *Biometrika* , No. 73, pp. 13–22.

Twisk JWR (2013). *Applied Longitudinal Data Analysis for Epidemiology*. 2nd ed. New York: Cambridge University Press.

Liu ,Yi-cheng ,Yue-cune and Chang (2013), "The Regional Performances of Agricultural Bank of China Applying GEE Method Multiple Linear Regression", *Journal of Applied Finance & Banking*, vol. 3, No. 5, pp. 39-53.

Paul D.A. (2017), "Longitudinal Data Analysis Using Stata", *Statiscale horizons*, pp.1-18.

Berger A., Clarke G.R.G., Cull R., Klapper L. and G.F. Udell (2005). "Corporate Governance and Bank Performance: A Joint Analysis of the Static, Selection and Dynamic Effects of Domestic, foreign and state Ownership". *Journal of Banking and Finance*, NO. 29, pp. 2179–2221.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]

پیوست

جدول ۱. بانک‌های مورد مطالعه برحسب نوع فعالیت و تعداد شعب

تعداد	نام	نوع	سال	تعداد شعب	سال خصوصی سازی	سال ورود به بورس و اوراق بهادار
۱	بانک اقتصادنوین	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۸۰	۲۵۱		
۲	بانک پارسیان	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۸۰	۳۲۹		
۳	بانک پاسارگاد	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۸۴	۳۲۷		
۴	بانک سامان	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۷۸	۱۳۶		
۵	بانک سرمایه	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۸۴	۱۱۷		
۶	بانک سینا	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۶۴	۲۵۷		
۷	بانک کارآفرین	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۷۸	۱۰۷		
۸	بانک کشاورزی	بانک دولتی تخصصی و توسعه ای	۱۳۱۲	۱۸۸۸		
۹	بانک توسعه صادرات ایران	بانک دولتی تخصصی و توسعه ای	۱۳۷۱	۴۰		
۱۰	بانک ملی ایران	بانک دولتی تجاری	۱۲۸۵	۳۱۶۱		
۱۱	بانک مسکن	بانک دولتی تخصصی و توسعه ای	۱۳۱۷	۱۲۵۵		
۱۲	بانک صنعت و معدن	بانک دولتی تخصصی و توسعه ای	۱۳۳۵	۶۱		
۱۳	بانک سپه	بانک دولتی تجاری	۱۳۰۴	۱۷۰۳		
۱۴	بانک تجارت	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۵۸	۱۶۶۴	۱۳۸۷	۱۳۸۸
۱۵	بانک رفاه کارگران	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۴۰	۱۰۵۵	۱۳۹۱	وارد بورس نگردید.
۱۶	بانک صادرات ایران	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۳۱	۲۴۹۵	۱۳۸۸	۱۳۸۸
۱۷	بانک ملت	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۵۸	۱۵۱۶	۱۳۸۸	۱۳۸۸

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آذر ۱۳۹۶

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-17]